

ارزیابی وضعیت شاخص‌های اجتماعی مسکن در نواحی روستایی استان گیلان

محمد رضا پورغفار مغفرتی

کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

عیسی پوررمضان^۱

استادیار گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۲۰

چکیده

شاخص‌های مسکن مهم‌ترین و کلیدی‌ترین ابزار برنامه‌ریزی مسکن می‌باشند. بررسی شاخص‌های اجتماعی مسکن یکی از وسایل و شیوه‌های شناخت ویژگی‌های مسکن به شمار می‌رود که می‌توان به کمک آن پارامترهای مؤثر در امر مسکن را شناخت و هرگونه برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری را آسان نمود. هدف این پژوهش بررسی و ارزیابی وضعیت شاخص‌های کمی و کیفی اجتماعی مسکن مناطق روستایی استان گیلان و مقایسه تطبیقی آن با مسکن شهری می‌باشد. از این رو پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و ماهیت روش آن توصیفی-تحلیلی است که اطلاعات مورد نیاز آن از طریق منابع اسنادی حاصل از نتایج سرشماری استان در سال ۱۳۹۰ به دست آمده است. نتایج بررسی و مقایسه شاخص‌های اجتماعی مسکن در مناطق روستایی استان گیلان در سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که از نظر شاخص‌های اجتماعی کمی مسکن (تراکم خانوار در واحد مسکونی، تراکم نفر در واحد مسکونی و توزیع واحدهای مسکونی برحسب تعداد اتاق و خانوار)، در وضعیت مناسب و مطلوبی قرار دارد و هم‌چنین از نظر شاخص‌های اجتماعی کیفی (میانگین سطح زیربنای واحد مسکونی، دوام مصالح ساختمانی، مالکیت و نحوه تصرف و امکانات زیرساختی و تسهیلات)، واحدهای مسکونی در شرایطی به نسبت مناسب هستند اما در مقایسه با شاخص‌های کمی و کیفی مناطق شهری استان، گواه این استه که کماکان مشکلات و کاستی‌هایی نیز وجود دارد و با وضعیت مناسب و مطلوب فاصله دارد.

واژگان کلیدی: مسکن، شاخص‌های مسکن، شاخص‌های اجتماعی مسکن، مناطق روستایی، استان گیلان

مقدمه

مسکن به عنوان سرپناه از مهم‌ترین نیازهای انسان بوده و همواره در اولویت برنامه‌ریزی‌های توسعه قرار داد (DalalporMohamadi, 2014:3). مقوله مسکن امروزه نه تنها به‌عنوان یک سرپناه بلکه به‌عنوان هویت، امنیت و منبع سرمایه در بین ساکنان یک جامعه است. مسکن نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری جوامع و آسایش روحی و روانی ساکنان آن دارد و یکی از شاخص‌های سنجش سطح کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی محسوب می‌شود و در برنامه‌ریزی ملی، دارای اولویت است (Ahmadi, 2010: 25). امروزه مسکن و مسائل مربوط به آن به‌عنوان یک مسئله جهانی مطرح است و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در کشورهای مختلف به دنبال راه‌حلهایی برای حل مسائل مربوط به آن می‌باشند (Buckley, 2005:235). مسکن نسبت به سایر کالاها به دلیل ویژگی‌هایی مثل غیرقابل جایگزین بودن، سرمایه‌ای بودن، بادوام و پرهزینه بودن و غیرمنقول بودن، می‌تواند عامل مهمی در امنیت انسانی و اجتماعی به‌شمار بیاید (Gallent & Robinson, 2011: 299) و هم چنین نقش به‌سزایی در اقتصاد شهری و روستایی داشته باشد.

مسکن در روستا متناسب با شرایط محیطی، اجتماعی و اقتصادی جامعه روستایی دارای تشابهات و تفاوت‌هایی با مسکن در شهرهاست. اهمیت مسکن در روستا ناشی از پاسخگویی آن به نیازهای اصلی زیستی و اقتصادی جامعه روستایی است (Jamshidi & et al, 2013:74). **برنامه‌ریزی** برای مسکن روستایی در ایران به‌مانند آنچه تحت نام برنامه‌ریزی مسکن شهری صورت می‌گیرد، چندان عمومیت نداشته و مورد بررسی و مطالعه قرار نگرفته‌اند و سازمان‌های مسئول در این زمینه نتوانسته‌اند چندان موفق عمل کنند به‌طور کلی در برنامه‌های مسکن قبل و بعد از انقلاب نگرش و توجه بیشتر به معضلات و کمبودهای مسکن شهری بوده و به مسائل و تنگناهای موجود در کیفیت و شرایط مسکن روستایی توجهی نشده است. عدم درک و شناخت تفاوت‌های موجود در زمینه مسکن روستایی به لحاظ همسویی و همپوشی آن با سایر فعالیت‌های اقتصادی و جریانات اجتماعی و تأثیر عمیق آن در فرآیند اشتغال و رفاه جامعه روستایی، می‌تواند اثرات سویی بر کل پیکره نظام برنامه‌ریزی کشور وارد نموده و تبعات و تنش‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی مختلفی را به دنبال آورد (Beshagh & et al, 2014:192). یکی از راه‌های مهم آگاهی از وضعیت مسکن در فرآیند برنامه‌ریزی، استفاده از شاخص‌های مسکن است. با استفاده از این شاخص‌ها می‌توان وضعیت حاکم بر نظام مسکن را ارزیابی نمود و مقیاس واقعیات و رخدادهایی که در این زمینه وجود دارند، از نظر عینی بررسی کرد (Satarzadeh, 2009: 57). در میان شاخص‌های مسکن، مهم‌ترین و کلیدی‌ترین ابزار برنامه‌ریزی مسکن، شاخص‌های اجتماعی مسکن تا جایی پیش رفته که با استفاده از آن، رابطه میان انسان با مسکن سنجیده می‌شود. اهمیت کاربرد شاخص‌های اجتماعی مسکن تا جایی پیش رفته که برنامه‌ریزان با شناخت ابعاد و جنبه‌های مختلف مسکن به تدوین سیاست‌های مربوط به مسکن و برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تر در این مقوله می‌پردازند.

بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، استان گیلان دارای ۲۴۸۰۸۷۴ نفر جمعیت است از این تعداد ۱۴۹۷۱۷۰ نفر (۶۰/۳۵ درصد) در مناطق شهری و ۹۸۳۷۰۱ نفر (۳۹/۶۵ درصد) در مناطق روستایی ساکن بوده‌اند. افزایش روند مهاجرت از روستاها به شهرها و کاهش چشمگیر درصد روستانشینی در این استان، حکایت از

نامناسب بودن وضعیت زیستی در روستاها و اختلاف بین سطح درآمد و سطح زندگی در نواحی شهری و روستایی دارد. در این تحقیق با استفاده از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای به بررسی وضعیت شاخص‌های اجتماعی مسکن روستایی در استان گیلان پرداخته‌ایم و از لحاظ کمی و کیفی تغییرات و تحولات مسکن روستایی را مورد بررسی و ارزیابی قرار داده و با مناطق شهری استان مقایسه کرده‌ایم. تا با توجه به اهمیت کاربرد این شاخص‌ها، بتوان با تهیه و تدوین برنامه‌ای مناسب مشکلات و کمبودهای موجود در بحث مسکن روستایی استان گیلان را برطرف نمود.

مروری بر ادبیات

مسکن پس از غذا و پوشاک مهم‌ترین نیاز خانوار به شمار می‌رود. مسکن در فرهنگ ایران تنها یک سرپناه نسبت، مسکن محل آرامش خانوار، محلی برای گذراندن اوقات فراغت و تأمین‌کننده امنیت اجتماعی و اقتصادی است. (Ghalibaf, 2011: 74) مسکن به‌عنوان یک عامل مهم تعیین‌کننده وضعیت سلامت جسمی و روانی، کیفیت زندگی، رفاه و پس از نتایج حاصل از مطالعات متعدد در طیف وسیعی از رشته‌ها به شمار می‌رود (Lawrence, 2012: 326). با این حال مسکن عامل اصلی جامعه‌پذیری افراد نسبت به جهان و کالایی عمده و تعیین‌کننده در سازمان اجتماعی است که در شکل‌گیری هویت فردی، روابط اجتماعی و اهداف جمعی افراد نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای دارد (Short, 2012: 17).

مسکن روستایی به‌ویژه در کشور ما به دلیل شرایط خاص محیطی و بعضاً ضعف فن‌آوری به‌مراتب بیش از مسکن شهری متأثر از شرایط محیطی به‌ویژه محیط طبیعی - اکولوژیکی بوده است به‌نحوی که تأثیرگذاری این مهم به‌خوبی از نوع کیفیت مصالح مستعمل در ساخت آن پیداست (Ghafari, 2011:105). مسکن در روستاها علاوه بر محل سکونت دربرگیرنده فعالیت اقتصادی خانوار روستایی و محل ذخیره محصولات کشاورزی آنان نیز هست. مهم‌ترین عملکردهای مسکن در روستاها شامل مسکونی، دامی، معیشتی و جنبی است (Badri & Mosavi, 2010: 4). اقتصاددانان بدین باورند مسکن روستایی نه‌تنها محل نشیمن افراد، بلکه محل تولید فرآورده‌ای دامی، زراعی، صنایع‌دستی و از همه مهم‌تر به‌عنوان یک کالای سرمایه‌ای می‌باشد. بنابراین امروزه مسکن روستایی، نه‌تنها رنگ و بوی تاریخی، اقتصادی و جغرافیایی را به خود گرفته است، بلکه تکنیک و تفکر خلاقانه انسان، توأم با هنر معماری که در آن اعتقادات، زیباشناسی و فرهنگی را درهم‌آمیخته است، به نمایش می‌گذارد (Bahrami, 2010: 65). بررسی شاخص‌های اجتماعی مسکن یکی از وسایل و شیوه‌های شناخت ویژگی‌های مسکن به شمار می‌رود که می‌توان به کمک آن پارامترهای مؤثر در امر مسکن را شناخت و هرگونه برنامه‌ریزی و تصمیم صحیح مسکن را تسهیل نمود (Ghafari, 2011:111). شاخص‌های مسکن ابزار مناسبی جهت سنجش معیارها و ضوابط سیاست‌های مسکن است. مهم‌ترین کاربرد شاخص‌های مسکن، بالا بردن سطح اطلاعات موجود به‌منظور شناخت شرایط سکونتی ساکنان است به‌طوری که تصمیم‌گیران بتوانند تأثیر مسکن را بر زندگی ساکنان به‌طور دقیق‌تر و بهتر ارزیابی و تعیین کنند (Maleki, 2006:111).

در میان شاخص‌های مسکن، شاخص‌های اجتماعی مناسب‌ترین ابزار اندازه‌گیری پیشرفت و تحقق هدف‌های کلی به شمار می‌روند به طوری که با استفاده از این شاخص‌ها می‌توان کلیه سطوح از فردی تا ملی و جمعی را مورد ارزیابی

قرارداد. شاخص‌های اجتماعی مسکن از وسایل مهم سنجش رابطه انسان با مسکن به شمار می‌روند (Maleki, 2011:112) به‌طورکلی شاخص‌های اجتماعی مسکن به‌سادگی وجود کمی و کیفی کمبودهای ابعاد مسکن در وضع موجود و یا در هر مقطع زمانی مورد نظر را نشان می‌دهند و به کمک آن‌ها می‌توان شرایط تهیه مسکن را ارزیابی و سنجش کرده و تصویر ملموسی از شرایط مسکن به دست آورد.

جدول شماره ۱- برخی مطالعات و تحقیقات انجام‌شده در رابطه با موضوع تحقیق

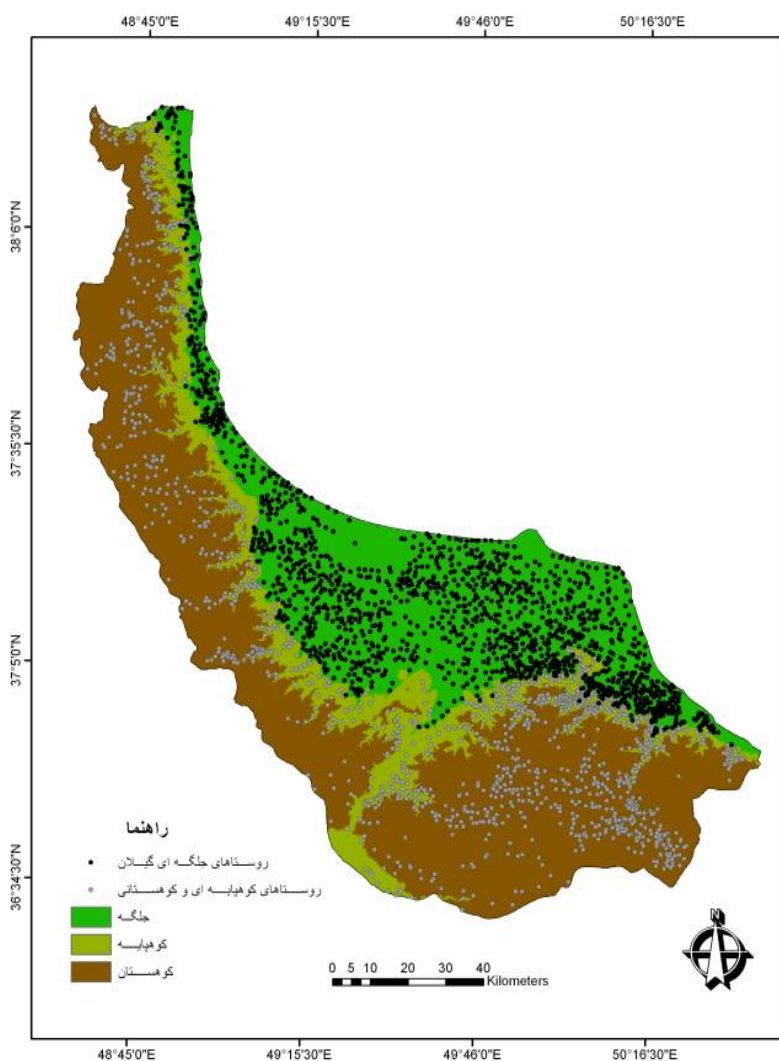
Reasercher	Research Title	Content and research results
AL-naim.M & Mahmud.S 2007	transformation of housing tradition and the emergence of generations of low-income immigrants	This paper suggests that changes in the pattern of rural housing in Nigeria, especially in the last three decades have taken as a result of cultural changes, urbanization and globalization
Bramley.G&Watkins.D 2009	Price and supply of dimensions of rural housing	Results of this study suggests that low financial power of villagers in providing adequate housing is considered as one of the challenges of people in rural areas of very advanced countries such as England.
Hamzah.N et al 2012	the importance of Housing design process for multinational companies in Malaysia	The researchers in this article have been concluded that review and participation of customers, consultants and contractors have an important factor in reducing the deficit of residential units and 4 important factor in the quality of housing are very important that we include paintings, accuracy, diversity and knowledge transfer
M.Guan 2013	Relationship between consumption of life and rural housing value in China	This study suggests that with the use of these details cost of living in rural regions of China, this study shows that in addition to the overall cost of living, it knows as generate insights of rural housing development.
L.Wen Tao 2014	The impact of housing characteristics in the lives of rural migrants in the region of Beijing	It states that the characteristics of rural migrants housing (overcrowded housing, privacy maintain and housing facilities) living conditions in the region are very impressed on Beijing
Yonghua Zou 2014	Analysis of spatial correlation in higher-priced mortgage (Case study: Philadelphia and Chicago)	Researcher suggests that local governments should be intervened by taking into account of local, individual, social, economic and temporal characteristics in design of housing policies.
Yanliu Lin at al 2014	Providing social housing with redevelopment for rural migrants from villages to the cities (Case Study: Beijing)	The results showed that housing prices in China is a social and economic problem especially for rural migrants and supply of social housing is a key element in current policies. But the villages of Uics city in terms of housing price is not affordable in majority and is a threat for the rural migrants
Alavi 2014	check the status of qualitative and quantitative of rural housing, case study: Kareh Mochi village from the central district of Lamerd city	Results showed that the average household density in Kareh Mochi village is equal to 5.1 and this shows that in each of the residential units have been living for an average about 5.1 household. Also, about the structure 68.43% of housing is durable and 8.11% is semi-durable and 24.45% of housing are durable, and more than 42.43% from existing residential units in the village has dating more than 3 years.

روش تحقیق ترکیبی از روش‌های توصیفی، تحلیلی و موردی- میدانی است که با تجزیه و تحلیل اطلاعات جمعیتی، شاخص‌های کمی و کیفی اجتماعی مسکن از روش‌های توصیفی و تحلیلی و با توجه به مسئله بعد مکانی- فضایی استفاده شده است. از آنجا که داده‌های مورد نیاز برای تحقیق، داده‌های سری زمانی هستند از این رو برای گردآوری اطلاعات از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده و مبنای داده‌ها بر پایه اطلاعات استخراج شده از سالنامه آماری استان گیلان در سال ۱۳۹۰ می‌باشد. در واقع برای انجام پژوهش، ابتدا داده‌های مورد نیاز را از سالنامه آماری استان استخراج کرده که این داده‌ها عبارتند از: تعداد جمعیت و تعداد خانوار نواحی شهری و روستایی، تعداد واحدهای مسکونی، تعداد اتاق‌های موجود در واحدهای مسکونی شهری و روستایی، میانگین سطح زیر بنای واحدهای مسکونی، نوع مصالح به کار رفته (بادوام، نیمه بادوام و بی دوام) در مسکن، نحوه مالکیت و تصرف عرصه و اعیان و هم چنین میزان برخورداری واحدهای مسکونی به لحاظ امکانات زیر ساختی و تسهیلات نظیر آب، برق و گاز و ... سپس داده‌های استخراج شده را از طریق جداول طبقه بندی کرده و برای تحلیل و مقایسه مکانی- فضایی از نرم

افزار GIS بهره گرفته شده است و در نهایت با وجود داده‌ها و نقشه‌های تولیدی به توصیف و ارزیابی شرایط مسکن شهری و روستایی به لحاظ شاخص‌های اجتماعی پرداخته‌ایم.

محدوده مورد مطالعه

استان گیلان با مساحتی برابر ۱۴۷۱۱ کیلومترمربع حدود ۰/۹ درصد از مساحت کل کشور را دارا است و از این نظر بین استان‌های کشور رتبه بیست و ششم را دارد. این استان در ۳۶ درجه و ۳۳ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۳۲ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی از نصف نهار قرار گرفته است. استان گیلان با داشتن تنها ۰/۸۷ درصد از مساحت کل کشور، ۳/۴ درصد از جمعیت کشور را در سال ۱۳۸۵ در خود جای داده است. تراکم نسبی جمعیت گیلان نسبت به تراکم کل کشور بسیار بالاتر است. تراکم نسبی جمعیت گیلان در سال ۱۳۸۵، ۱۷۱/۲ نفر و در کل کشور ۴۳ نفر در کیلومترمربع بوده است. بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، استان گیلان دارای ۲۴۸۰۸۷۴ نفر جمعیت است که از این تعداد ۱۴۹۷۱۷۰ نفر (۶۰/۳۵ درصد) در مناطق شهری و ۹۸۳۷۰۱ نفر (۳۹/۶۵ درصد) در مناطق روستایی ساکن بوده‌اند.



نقشه شماره ۱- استان گیلان به تفکیک نواحی مختلف جغرافیایی Source: Authors

یافته‌ها

به طور کلی مباحث مربوط به شاخص‌های مسکن دیرزمانی نیست که ذهن صاحب‌نظران و متخصصان را به خود معطوف داشته است. شاخص‌های مسکن ابزاری برای اندازه‌گیری و سنجش وضع مسکن و روند تحول آن و ارزیابی میزان موفقیت سیاست‌ها و برنامه‌های مسکن محسوب می‌شوند. این شاخص‌ها از یک‌سو بیانگر وضعیت کمی و کیفی مسکن روستایی در هر مقطع زمانی بوده و از سوی دیگر راهنمایی مؤثر جهت بهبود بخشی برنامه‌ریزی مسکن برای آینده می‌باشد (Satarzadeh, 2009:58). انسان دوگونه رابطه با محیط مسکونی خود دارد. رابطه کمی، یعنی ارتباط کمی و عددی انسان از نظر استفاده از ابعاد مسکن و شماره یا افراد ساکن در آن، در این مورد صرفاً رابطه کمی انسان با مسکن سنجیده می‌شود. رابطه دوم، رابطه کیفی است که انسان با محیط فیزیکی یا مسکونی خود دارد، این شاخص‌ها مشخص‌کننده جنبه‌های کیفی انسان با مسکن است (Maleki, 2011: 112). در اینجا به بررسی همین دو گونه ارتباط انسان با مسکن و ابزار سنجش این رابطه بنام شاخص‌های اجتماعی مسکن در مناطق روستایی شهرستان رشت پرداخته می‌شود. جنبه‌های شاخص‌های اجتماعی مسکن عبارت‌اند از:

۱- شاخص‌های اجتماعی مربوط به کمیت مسکن

یکی از شاخص‌هایی که می‌تواند سیمای کل مسکن روستایی را به نمایش بگذارد، تحلیل شاخص‌های کمی است. هدف‌های کلی مربوط به کمیت مسکن در سراسر جهان، یکی از موضوعات اساسی موردنظر برنامه ریزان است و توجه به کمیت مسکن از این واقعیت ناشی می‌شود که در بسیاری از موارد مهاجرت‌های داخلی و رشد جمعیت از عوامل مؤثر در تعیین نیازهای مسکن است (Maleki, 2011: 113). برای ارزیابی میزان کمیت مسکن شاخص‌های زیر را می‌توان نام برد:

- تراکم خانوار در واحد مسکونی

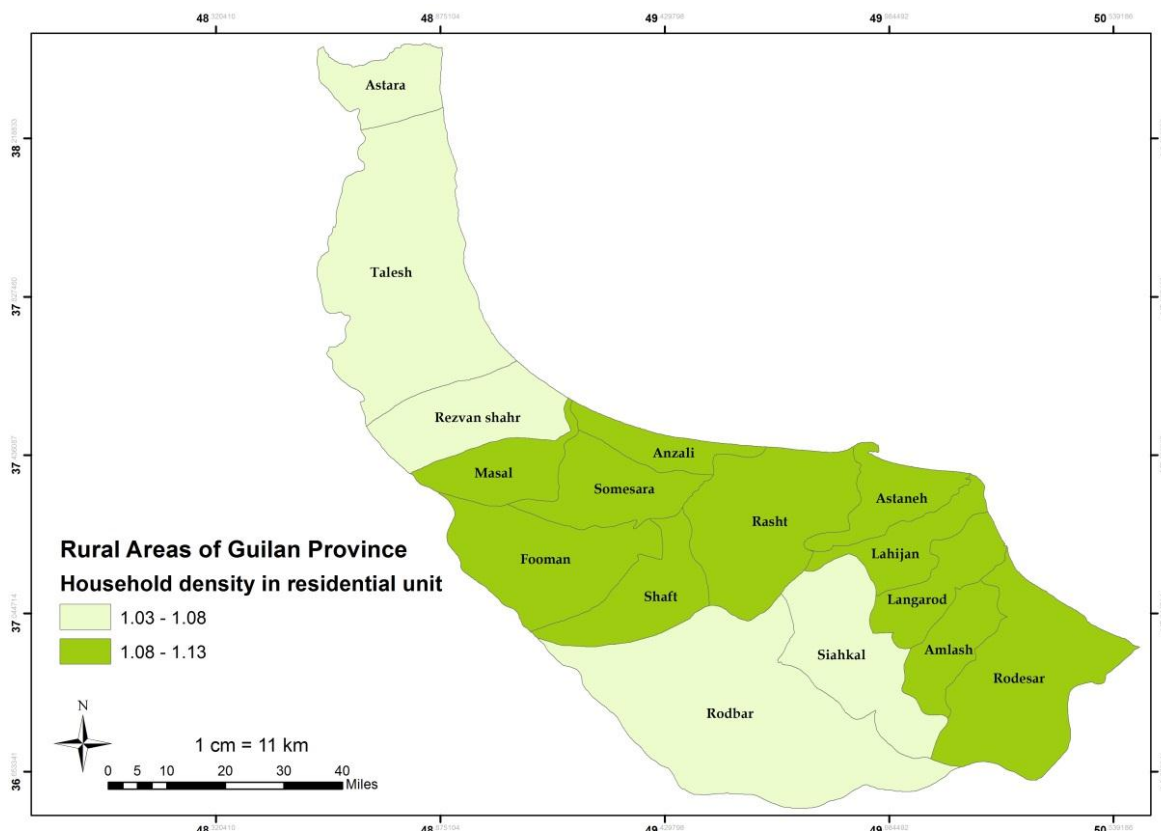
معمول‌ترین شاخص در برآورد کمبود تعداد واحدهای مسکونی هست. شاخص‌های تراکم خانوار در واحدهای مسکونی نشان دهنده کفایت و یا کمبود تعداد واحدهای مسکونی موجود در رابطه با تعداد خانوارهای موجود است. شاخص تراکم ۱ به‌منزله وجود شرایط ایده‌آل و عدم کمبود مسکن است و شاخص ۱ به معنای این است که در مقابل هر ۱۰۰ خانوار ۱۰۰ واحد مسکونی وجود دارد. هرچه این شاخص از عدد ۱ بیشتر شود، نشان دهنده شدت کمبود مسکن است. همان طور که در جدول شماره (۲) مشاهده می‌شود، تراکم خانوار در هر واحد مسکونی در استان گیلان برابر با ۱/۰۴ نفر هست. یعنی در برابر هر ۱۰۰ واحد مسکونی ۱۰۴ خانوار وجود دارد. این شاخص در مناطق شهری استان برابر با ۱/۰۲ نفر و در مناطق روستایی استان برابر با ۱/۰۷ نفر هست. با توجه به آمار مشاهده می‌شود که مسکن روستایی استان گیلان از نظر شاخص تراکم خانوار در واحد مسکونی در وضعیت مناسبی قرار دارد به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۰ در برابر هر ۱۰۰ واحد مسکونی، ۱۰۷ خانوار وجود داشته است اما این شاخص در مقایسه با کل استان و مناطق شهری استان در رنج بالاتری قرار دارد و نشان می‌دهد که کمبود مسکن در مناطق روستایی استان نسبت به مناطق شهری بیشتر احساس می‌شود.

جدول شماره ۲- شاخص تراکم خانوار در واحد مسکونی استان گیلان (۱۳۹۰)

Title	Gilan Province	Urban areas of Gilan Province	Rural areas of Gilan Province
Number of households	776812	470769	306043
Number of residential units	744066	458900	285166
Household density in residential units	1.04	1.02	1.07

Source: Statistical year Book of Gilan, 2011

هم چنین در نقشه (۲)، تراکم خانوار در واحد مسکونی به تفکیک مناطق روستایی شهرستان‌های استان گیلان مشخص شده است. با توجه به نقشه که بر اساس سالنامه آماری استان ترسیم شده است، مناطق روستایی شهرستان‌های آستارا، تالش، رضوانشهر، سیاهکل و رودبار به لحاظ شاخص تراکم خانوار در واحد مسکونی، در وضعیت مناسب‌تر و مطلوب‌تری نسبت به مناطق روستایی دیگر شهرستان‌های استان قرار دارند.



نقشه شماره ۲- شاخص تراکم خانوار در مناطق روستایی استان گیلان

- تراکم نفر در واحد مسکونی

شاخص تراکم نفر در واحد مسکونی، متوسط تعداد افراد در یک واحد مسکونی را نشان می‌دهد. این شاخص وضعیت رفاه خانوارها را از نظر فضاهای مسکونی نشان می‌دهد. این شاخص از تقسیم تعداد جمعیت خانوارهای معمولی ساکن به تعداد کل واحدهای مسکونی به دست می‌آید. این شاخص بیانگر میزان تراکم نفر در واحد مسکونی است. مطالعات بسیاری نشان داده‌اند که رابطه قوی بین فقر محلات، تراکم بالای جمعیت در واحدهای مسکونی و ناهنجاری و جرم وجود دارد (Saremi & Ebrahimipor, 2012: 93).

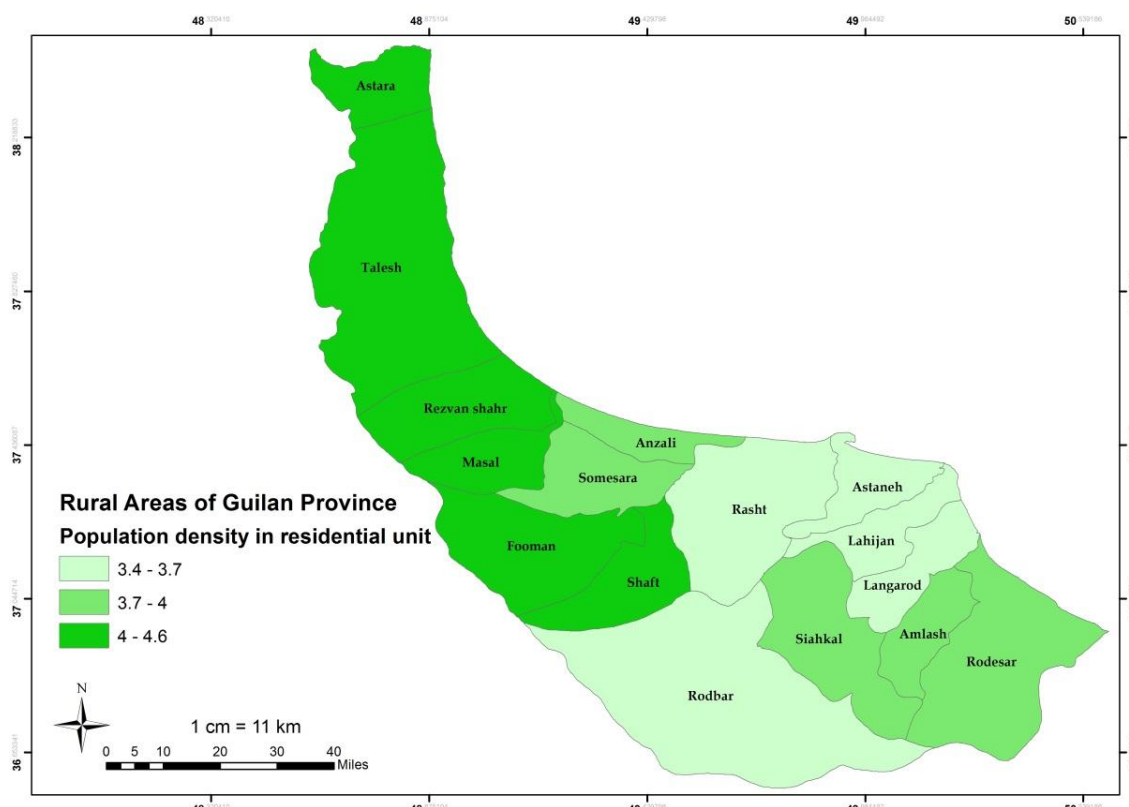
همان‌گونه که در جدول شماره (۳) مشاهده می‌شود، این شاخص در استان گیلان در سال ۱۳۹۰ برابر با ۳/۳۳ نفر در هر واحد مسکونی بوده که این مقدار برای مناطق شهری برابر با ۳/۲۶ نفر و برای مناطق روستایی ۳/۴۴ نفر

به‌دست‌آمده است. با توجه به اینکه بعد خانوار در سال ۱۳۹۰ نسبت به گذشته کاهش یافته، کاهش تراکم نفر توجیه‌پذیر است. هم‌چنین آمار نشان می‌دهد که مناطق شهری استان گیلان از لحاظ شاخص تراکم نفر نسبت به مناطق روستایی در وضعیتی نسبتاً مطلوب‌تر قرار دارند. این امر دلایل متعددی دارد که عبارتند از: افزایش مهاجرت-ها از روستاها، اختلاف سطح درآمدی و سطح رفاه و آسایش بین مناطق شهری و روستایی و هم‌چنین بالا بودن تعداد فرزندان خانوار روستایی نسبت به خانوار شهری.

جدول شماره ۳- شاخص تراکم نفر در واحد مسکونی استان گیلان (۱۳۹۰)

Title	Guilan Province	Urban areas of Guilan Province	Rural areas of Guilan Province
Total Population	2480874	1497170	983701
Number of residential units	744066	458900	285166
Density of persons per dwelling	3.33	3.26	3.44

Source: Statistical year Book of Guilan, 2011



نقشه شماره ۳- شاخص تراکم نفر در مناطق روستایی استان گیلان

Source: Authors

با توجه به نقشه (۳)، مناطق روستایی شهرستان‌های رشت، رودبار، آستانه، لاهیجان و لنگرود که شاخص تراکم نفر بین ۳/۴ تا ۳/۷ نفر است نسبت به روستاهای دیگر شهرستان‌ها در شرایط مناسب‌تری قرار دارند. هم‌چنین شهرستان‌هایی که در نقشه بارنگ پررنگ ترسیم شده‌اند، شاخص تراکم نفر در مناطق روستایی آن‌ها بالا بوده و بین ۴ تا ۴/۶ نفر در هر واحد مسکونی است. به عبارت دیگر، در مناطق روستایی شهرستان‌های آستارا، تالش، رضوانشهر، ماسال، شفت و فومن در هر واحد مسکونی بین ۴ تا ۵ نفر زندگی می‌کنند که نشان دهنده بالا بودن شاخص تراکم نفر می‌باشد.

- توزیع واحدهای مسکونی برحسب تعداد اتاق

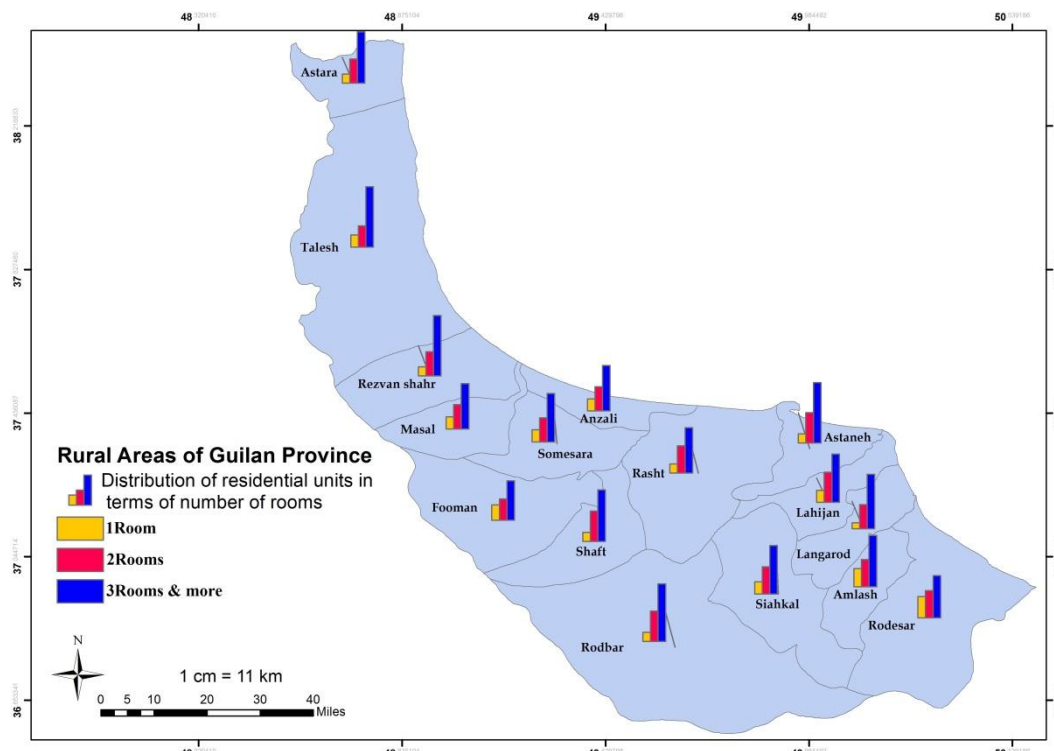
متوسط تعداد اتاق‌هایی که در هر واحد مسکونی وجود دارد، یکی از شاخص‌های مهم و گویای میزان رفاه خانوارهاست که معمولاً با میزان ثروت و سطح درآمد جامعه رابطه مستقیم دارد (Satarzadeh, 2009:59). همان طور که جدول شماره (۴) نشان می‌دهد بیشترین واحدهای مسکونی در استان گیلان، واحدهای مسکونی دارای سه اتاق است این آمار در مناطق شهری و روستایی استان نیز صدق می‌کند. بعد از واحدهای مسکونی دارای سه اتاق، واحدهای مسکونی دارای چهار اتاق و دو اتاق بیشترین درصد مسکن را تشکیل می‌دهند. بنابراین به‌طور متوسط در هر واحد مسکونی در استان گیلان سه اتاق وجود دارد که نشان‌دهنده رفاه خانوارها از لحاظ برخورداری از تعداد اتاق و فضای لازم جهت زندگی است. با توجه به اطلاعات مستخرج، در مناطق روستایی استان گیلان از لحاظ برخورداری تعداد اتاق برای افراد ساکن در واحدهای مسکونی در وضعیت مناسبی قرار دارد به طوری که اغلب واحدهای مسکونی دارای به ترتیب دارای سه اتاق، چهار اتاق و دو اتاق می‌باشند.

جدول شماره ۴- توزیع واحدهای مسکونی برحسب تعداد اتاق استان گیلان به درصد (۱۳۹۰)

Description	1 Room	2 Room	3 Room	4 Room	5 Room	6 Room and more	Undeclared
Guilan Province	3.4	19.5	45.9	22.5	6.1	1.78	0.65
Urban areas	2.75	17.8	49	22	6.05	1.78	0.5
Guilan Province	4.55	22.24	41	23.3	6.2	1.75	0.83

Source: Statistical year Book of Guilan, 2011

در نقشه (۴) واحدهای مسکونی مناطق روستایی استان گیلان به لحاظ برخورداری از تعداد اتاق موجود باهم مقایسه شده‌اند. طبق نقشه مناطق روستایی شهرستان‌های آستارا، انزلی و رودسر بیشترین واحدهای مسکونی را واحدهای مسکونی دارای سه اتاق و بیشتر تشکیل می‌دهد و از این حیث نسبت به مناطق روستایی سایر شهرستان‌ها در شرایط مناسب‌تری قرار دارند. در واقع روستاهای غربی و مرکزی استان از این حیث در شرایط مطلوب‌تری قرار دارند.



نقشه شماره ۴- درصد واحدهای مسکونی برحسب تعداد اتاق در مناطق روستایی استان گیلان

- تراکم واحدهای مسکونی برحسب خانوار

این شاخص بیانگر چگونگی توزیع واحدهای مسکونی برحسب تعداد خانوارهای ساکن در آن است. با توجه به جدول (۵)، در بیشترین واحدهای مسکونی در مناطق روستایی استان گیلان یک خانوار ساکن بوده‌اند. هم‌چنین در کل استان و مناطق شهری استان نیز بیشترین واحدهای مسکونی تک خانواری هستند. بر اساس آمار در سال ۱۳۹۰، ۹۵/۶۷ درصد از واحدهای مسکونی استان گیلان، ۹۷/۴۵ درصد از واحدهای مسکونی مناطق شهری استان و ۹۲/۸ درصد از واحدهای مسکونی مناطق روستایی استان گیلان تک خانواری بوده‌اند. با توجه به این‌که در گذشته به خصوص در نواحی روستایی زندگی چند خانواری رایج بوده، اما به مرور زمان میل به جدا شدن از خانواده و زندگی مستقل بیشتر شده و به تدریج فرهنگ زیستی مناطق روستایی که بر پایه زندگی چند خانواری یا چند هسته‌ای بوده، تغییر پیدا کرده است. افزایش هر چه بیشتر این شاخص نشان از بهبود وضعیت مسکن و استقلال خانوارها و افراد دارد. که مناطق روستایی استان گیلان از این حیث در وضعیت خوب و مناسبی قرار دارند.

جدول شماره ۵- توزیع واحدهای مسکونی برحسب خانوار استان گیلان به درصد (۱۳۹۰)

Description	1 household	2 household	3 household	4 household and more	Undeclared
Guilan Province	95.67	3.9	0.3	0.03	0.07
Urban areas	97.45	2.23	0.22	0.04	0.05
Guilan Province	92.8	6.64	0.4	0.02	0.09

Source: Statistical year Book of Guilan, 2011

۲- شاخص‌های اجتماعی مربوط به کیفیت مسکن

مسکن نقش با اهمیتی در ثبات خانواده، رشد اجتماعی و اقتصادی و بالا بردن ضریب ایمنی افراد و خصوصاً ارتقای فرهنگی و آرامش روحی اعضای خانواده دارد و به‌نوبه خود در کل سیستم شهری و روستایی تأثیر می‌گذارد (Ziari, 2006: 91). کیفیت مسکن رابطه مستقیمی با توان مالی و درآمد مردم دارد و هر چه کیفیت مسکن در وضع مطلوبی قرار داشته باشد، رفاه مردم، ایمنی و شرایط زندگی بهتر برای آن‌ها فراهم خواهد شد. برای تعیین و ارزیابی شاخص‌های اجتماعی کیفیت مسکن از شاخص‌هایی مثل عمر موجودی واحدهای مسکونی، میانگین سطح زیربنای واحدهای مسکونی، دوام مصالح مورداستفاده در واحدهای مسکونی و نحوه تصرف و مالکیت واحدهای مسکونی را مورد مطالعه قرار می‌دهند.

- میانگین سطح زیربنای واحد مسکونی

این شاخص بیانگر سطح متوسط واحدهای مسکونی است و گویای کل زیربنای موجود و احداثی در هر سال نیز است. به تعبیری دیگر متوسط فضای قابل سکونت واحد مسکونی است که این شاخص میزان کفایت فضای قابل سکونت را برای هر فرد می‌سنجد. پایین بودن مقدار میانگین سطح زیربنای واحد مسکونی نشانه‌ای از تراکم نامطلوب سکونت است (Maleki, 2011:115). این شاخص با میزان سطح درآمد و توسعه‌یافتگی کشور رابطه مستقیم دارد و از جمله شاخص‌های کلیدی در شناخت وضعیت مسکن است. با توجه به جدول (۶)، بیشترین واحدهای مسکونی مناطق روستایی استان گیلان (۳۷ درصد) دارای ۵۱-۷۵ مترمربع مساحت دارند که نشان از پایین بودن سطح زیربنای واحد مسکونی در این مناطق است. هم‌چنین ۲۱/۶۲ درصد از واحدهای مسکونی مناطق روستایی استان دارای ۸۱-۱۰۰ مترمربع بوده و تنها حدود ۱۰ درصد از واحدهای مسکونی مساحتی بیشتر از ۱۰۰ مترمربع دارند. در مناطق شهری استان گیلان حدود ۲۵ درصد از واحدهای مسکونی دارای مساحتی برابر با ۸۱-۱۰۰ مترمربع و ۲۴/۴۵ درصد از واحدهای مسکونی دارای مساحت ۵۱/۷۵ مترمربع هستند و هم‌چنین

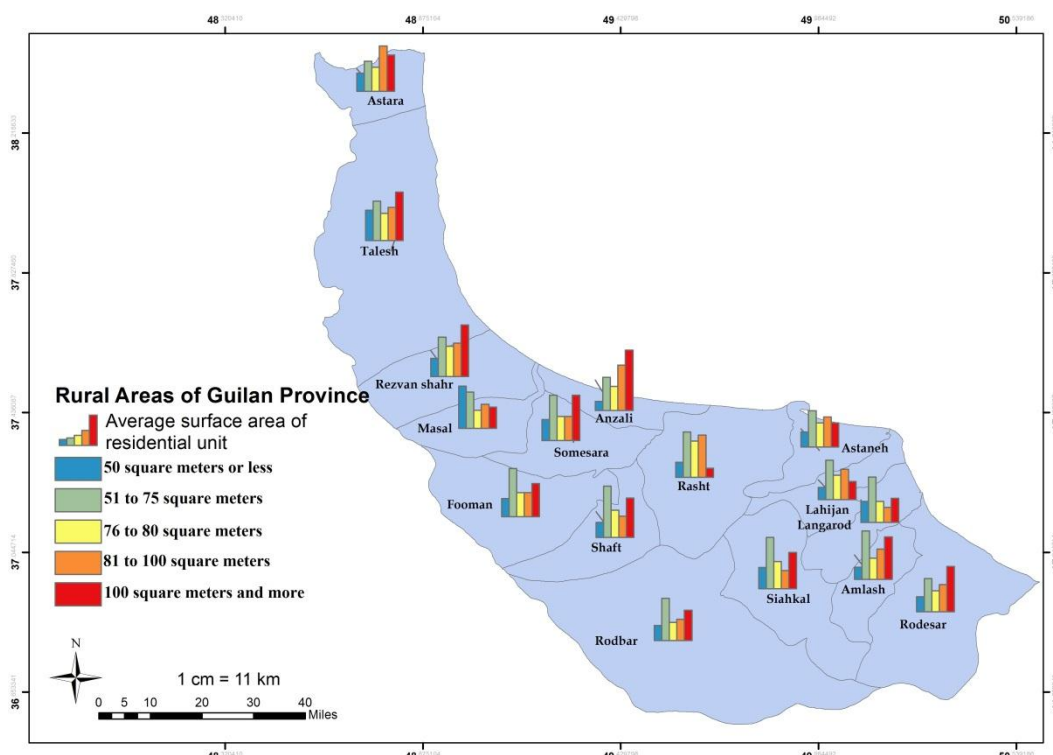
بیشترین واحدهای مسکونی این مناطق (۲۷/۸ درصد) دارای مساحت بیشتر از ۱۰۰ مترمربع می‌باشند. بنابر این از لحاظ میانگین سطح زیربنای واحدهای مسکونی مناطق شهری استان گیلان در وضعیت بهتر و مناسب‌تری نسبت به مناطق روستایی قرار دارند.

جدول شماره ۶- میانگین سطح زیربنای واحدهای مسکونی استان گیلان به درصد (۱۳۹۰)

Description Infrastructure level (m ²)	Guilan Province	Urban areas of Guilan Province	Rural areas of Guilan Province
50 m and less	12	10.85	12.03
51-75	27.45	24.45	37
76-80	14.6	11.9	19.08
81-100	23.8	24.9	21.62
101-150	17.9	21.6	9.15
151-200	2.9	4.3	0.6
201 and more	1.2	1.9	0.2

Source: Statistical year Book of Guilan, 2011

همان‌گونه که در نقشه (۵) مشاهده می‌شود، مناطق روستایی شهرستان‌های بندرانزلی، رضوان‌شهر، تالش و رودسر به لحاظ بالا بودن مساحت واحدهای مسکونی (۱۰۰ مترمربع و بیشتر) نسبت به سایر شهرستان‌ها در وضعیت بهتر و مناسب‌تری قرار دارند. در مقابل مناطق روستایی شهرستان‌های ماسال، لنگرود و رشت از این حیث در شرایط خوبی قرار ندارند. از طرفی دیگر با رواج خانه‌های دوم (ویلاسازی) به خصوص در روستاهای ساحلی استان، باید این نکته را در نظر داشت که افزایش میانگین سطح زیربنای خانه‌های روستایی استان نسبت به گذشته، تحت تأثیر این امر قرار دارد.



نقشه شماره ۵- درصد واحدهای مسکونی برحسب میانگین سطح زیربنا در مناطق روستایی استان گیلان

واحدهای مسکونی برحسب دوام مصالح ساختمانی

یکی از عوامل مهم که در دوام و آسیب‌پذیری ساختمان‌های روستایی نقش به‌سزایی دارد، کیفیت مصالح ساختمانی است. اغلب روستاییان به دلیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اقلیمی ناگزیرند برای ساختمان‌سازی از

همان مصالحی که در محل موجود است استفاده نمایند (Bahrami, 2011:35). طبق تعریف مرکز آمار ایران طبقه‌بندی واحدهای مسکونی برحسب دوام مصالح به شرح زیر تعریف شده است:

- مصالح بادوام شامل: اسکلت فلزی یا اسکلت بتونی، آجر و آهن، سنگ و آهن
- مصالح نیمه بادوام شامل: آجر چوب، سنگ و چوب، بلوک سیمانی و تمام آجر
- مصالح کم‌دوام شامل: تمام چوب، خشت و گل، خشت و چوب است (Maleki, 2011: 114).

با توجه به جدول (۷) در سال ۱۳۹۰، معادل ۲۰/۶۳ درصد از واحدهای مسکونی مناطق روستایی استان گیلان با مصالح بادوام بوده‌اند که این میزان در مناطق شهری استان برابر با ۵۷/۲ درصد بوده است. همچنین واحدهای مسکونی با مصالح بی‌دوام در مناطق روستایی استان برابر با ۱۲/۴ درصد و در مناطق شهری برابر با ۱/۲ درصد گزارش شده است. از این رو بر اساس آمار نشان می‌دهد که وضعیت واحدهای مسکونی در مناطق شهری استان گیلان در مقایسه با مناطق روستایی در وضعیت مناسب‌تر و بهتری قرار دارند. همچنین در سال ۱۳۹۰، حدود ۶۴ درصد از واحدهای مسکونی روستاهای استان گیلان با مصالح نیمه بادوام بوده‌اند که این مسئله نگران‌کننده بوده و گواه آن است که بیشترین واحدهای مسکونی را در روستاهای استان واحدهای مسکونی با مصالح نیمه بادوام تشکیل می‌دهند که نیازمند بهسازی و مقاوم‌سازی هستند. این واحدهای مسکونی (با مصالح نیمه بادوام) در مناطق شهری استان در سال ۱۳۹۰ برابر با ۴۰/۵ درصد بوده است.

جدول شماره ۷- توزیع واحدهای مسکونی استان گیلان برحسب دوام مصالح ساختمان به درصد (۱۳۹۰)

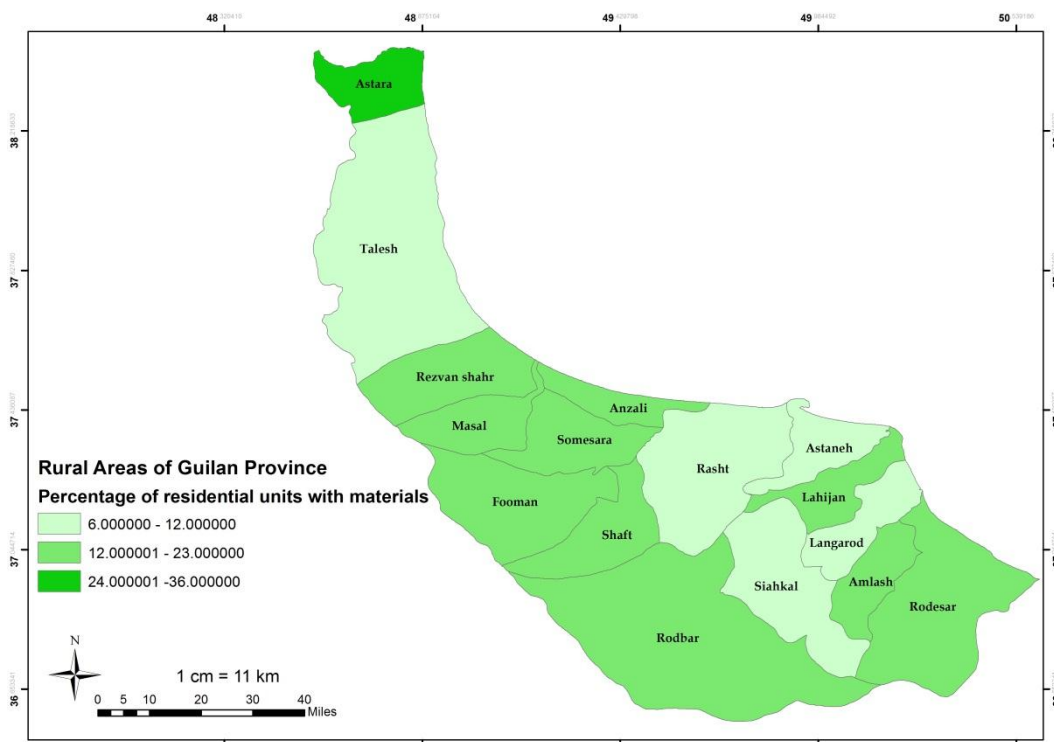
Building materials Type		Guilan Province	Urban areas of Guilan Province	Rural areas of Guilan Province
Durable	Steel structure or reinforced concrete, brick and iron, stone and iron	38.63	57.2	20.63
Semi-durable	Brick, wood or stone and wood, cement block all brick	52	40.5	63.85
Ephemeral (short-lived)	Adobe and mud or Brick and wood, all wood	5.9	1.2	12.4
	Other (mat, etc.)	3.08	0.5	2.12
	Undeclared	3.7	0.5	0.96

Source: Statistical year Book of Guilan, 2011

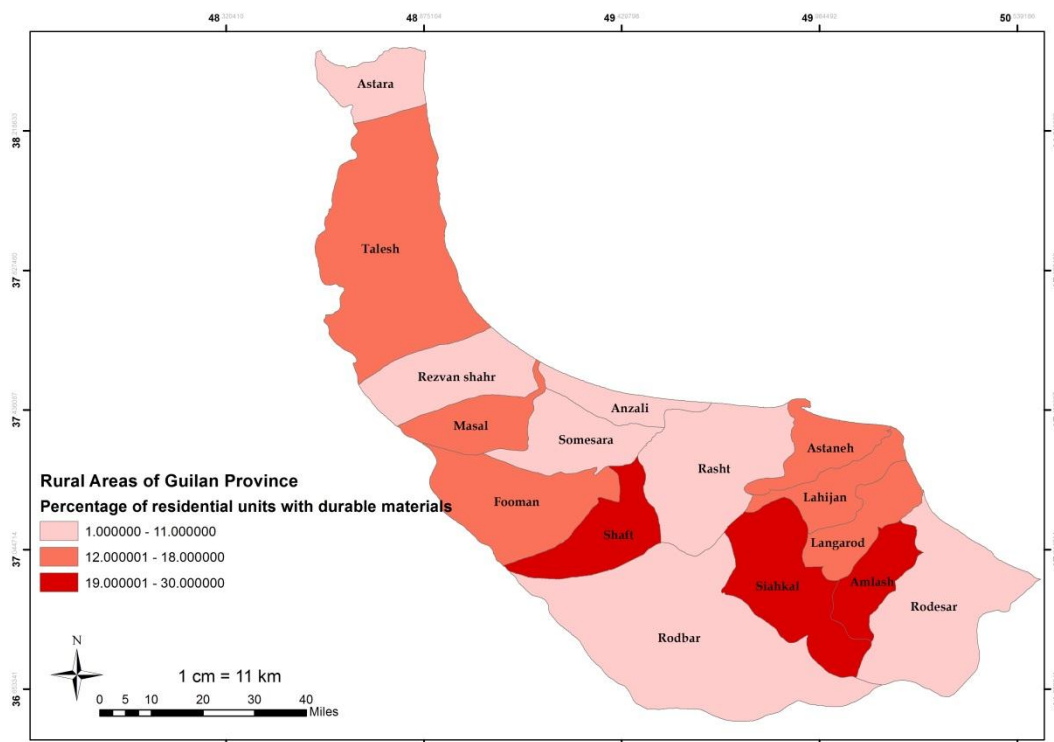
در رابطه با مقایسه مناطق روستایی شهرستان‌های استان گیلان از لحاظ درصد برخورداری از مسکن بادوام، همان‌گونه که در نقشه (۶) مشاهده می‌شود، روستاهای شهرستان آستارا از این حیث نسبت به شهرستان‌های دیگر در شرایط مطلوب‌تری قرار دارند. همچنین روستاهای شهرستان تالش، رشت، لنگرود و سیاهکل تنها ۱۳-۶ درصد از واحدهای مسکونی این مناطق با مصالح بادوام هستند که شرایط روستاهای این شهرستان‌ها نگران‌کننده است.

در رابطه با درصد برخورداری مسکن با مصالح بی‌دوام، با توجه به نقشه (۷)، مناطق روستایی شهرستان‌های شفت، املش و سیاهکل که حدود ۳۰-۱۹ درصد از مسکن‌شان با مصالح بی‌دوام ساخته شده‌اند نسبت به سایر مناطق روستایی شهرستان‌های استان در شرایط نامناسب‌تر و نگران‌کننده قرار دارند. به‌گونه‌ای که، بیش از نیمی از واحدهای مسکونی روستاهای این شهرستان‌ها (شفت، املش و سیاهکل) نیازمند نوسازی و بهسازی هستند. همچنین با توجه به نقشه (۸)، ۸۴-۶۹ درصد از مسکن روستایی شهرستان‌های بندر انزلی، صومعه‌سرا، رشت، آستانه اشرفیه و لنگرود با مصالح نیمه بادوام ساخته شده‌اند که نیازمند توجه بیشتر برنامه ریزان جهت بهسازی مسکن روستایی در این مناطق

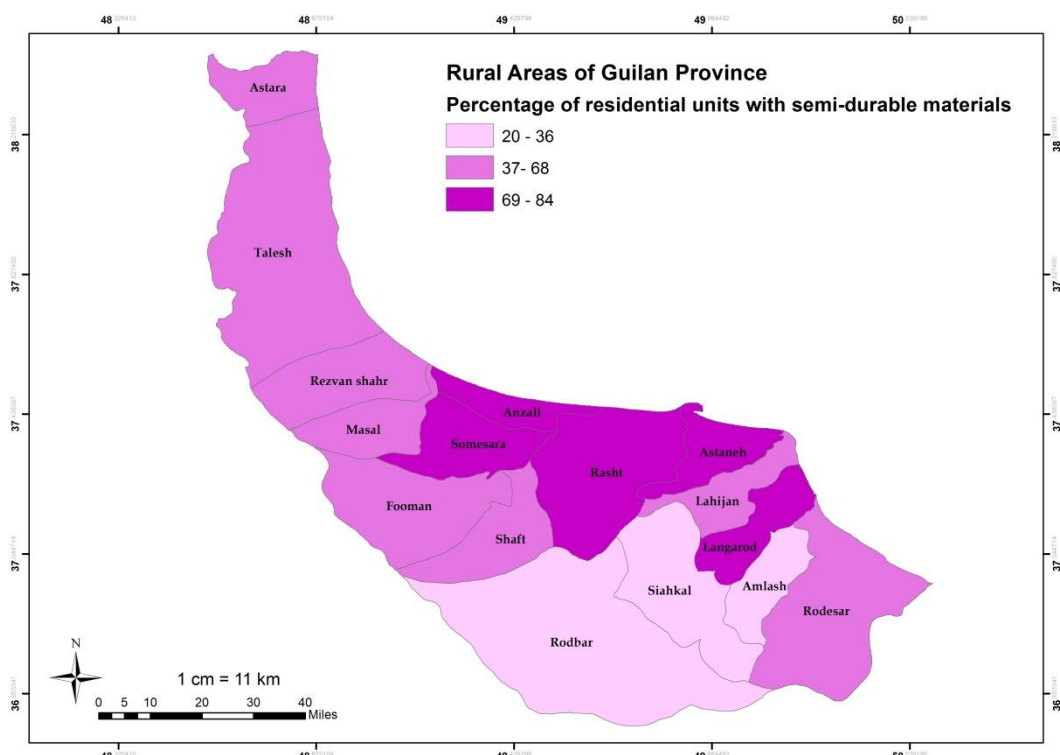
می‌باشند. در مقابل روستاهای شهرستان‌های املش، سیاهکل و رودبار، ۲۰-۳۶ درصد از مساکنشان را واحدهای مسکونی با مصالح نیمه بادوام تشکیل می‌دهند.



نقشه شماره ۶- درصد واحدهای مسکونی با مصالح بادوام در مناطق روستایی استان گیلان
 Source: Authors



نقشه شماره ۷- درصد واحدهای مسکونی با مصالح بی دوام در مناطق روستایی استان گیلان
 Source: Authors



نقشه شماره ۸- درصد واحدهای مسکونی با مصالح نیمه بادوام در مناطق روستایی استان گیلان Source: Authors

- شاخص‌های اجتماعی مربوط به خدمات و تسهیلات

تسهیلات عمده مسکن یکی از شاخص‌های اصلی سنجش سطح زندگی محسوب می‌شود که توسط کمیته بحران جمعیت برای سنجش کیفیت درکلان شهرهای جهان به‌کاربرده شده است (Ziari & Zarafshan, 2006: 93). به‌تدریج که مسکن از حالت تک منظوری خارج و به جنبه سرپناه بودن آن جنبه‌های دیگری از رفاه و آسایش اجتماعی نیز اضافه می‌شود، حدود برخورداری از تسهیلات و تجهیزات ضروری زندگی نیز به صورت شاخص‌های جدیدی برای ارزیابی وضع واحدهای مسکونی در می‌آید (Saremi & Ebrahimipor, 2012:95).

با توجه به جدول (۸)، مناطق روستایی استان گیلان از لحاظ برخورداری واحدهای مسکونی از تسهیلات و خدماتی نظیر برق، حمام، آشپزخانه و توالت در وضعیت مناسبی قرار دارند به‌گونه‌ای که در سال ۱۳۹۰، ۹۸/۸ درصد از مسکن روستایی استان دارای برق، ۹۱/۸ درصد از مسکن دارای آشپزخانه و حمام و حدود ۹۹ درصد از واحدهای مسکونی دارای سرویس بهداشتی می‌باشند که در مقایسه با آمار مناطق شهری در وضعیت مطلوبی به سر می‌برند. اما به لحاظ برخورداری واحدهای مسکونی مناطق روستایی استان از آب لوله‌کشی، گاز لوله‌کشی و تلفن در مقایسه با مناطق شهری استان در شرایط مناسبی قرار ندارند. در سال ۱۳۹۰، ۶۳/۸ درصد از واحدهای مسکونی مناطق روستایی و ۸۴/۵ درصد از واحدهای مسکونی مناطق شهری از آب لوله‌کشی برخوردار بودند. در رابطه با برخورداری مسکن از گاز لوله‌کشی، ۴۹/۳ درصد از واحدهای مسکونی مناطق روستایی و ۹۳/۳۵ درصد از مناطق شهری، از گاز لوله‌کشی برخوردار بوده‌اند. همچنین ۷۲ درصد از مسکن روستایی استان و ۷۹/۲۵ درصد از مسکن شهری دارای تلفن بوده‌اند. بنابراین با توجه به آمار، حدود نیمی از مسکن روستایی استان گیلان از نعمت گاز

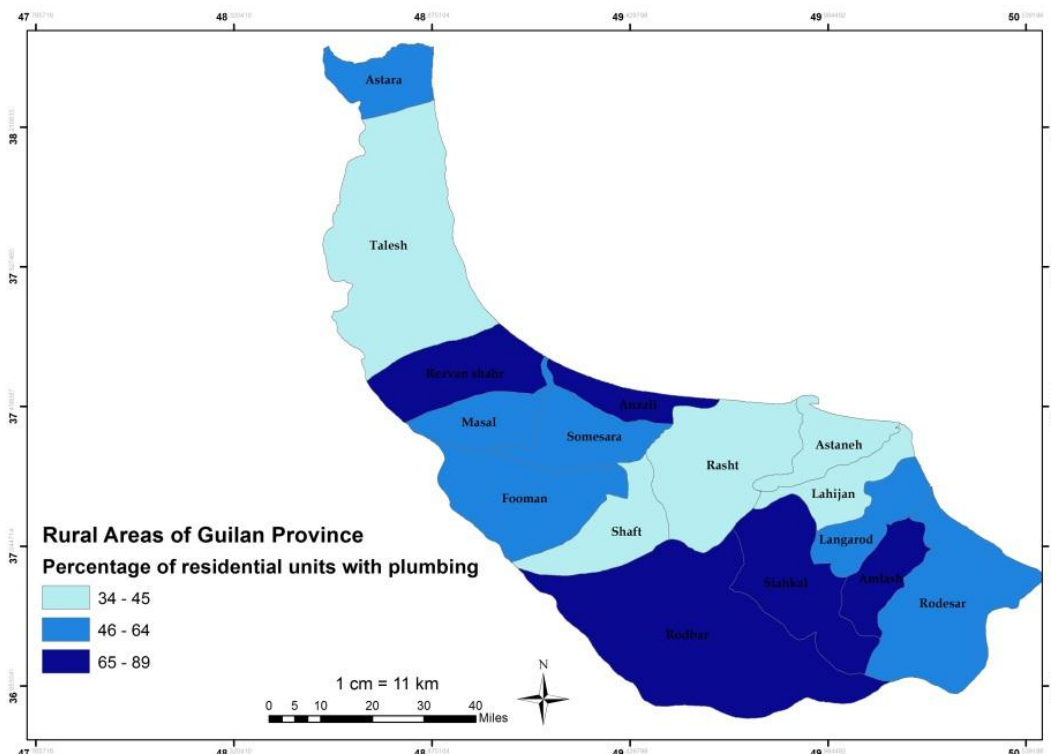
لوله‌کشی و حدود ۴۰ درصد از مسکن روستایی استان از آبلوله‌کشی محروم هستند که این مهم باید مورد توجه برنامه‌ریزان و مسئولان ذی‌ربط قرار بگیرد.

جدول شماره ۸- نحوه برخورداری واحدهای مسکونی از تسهیلات به درصد (۱۳۹۰)

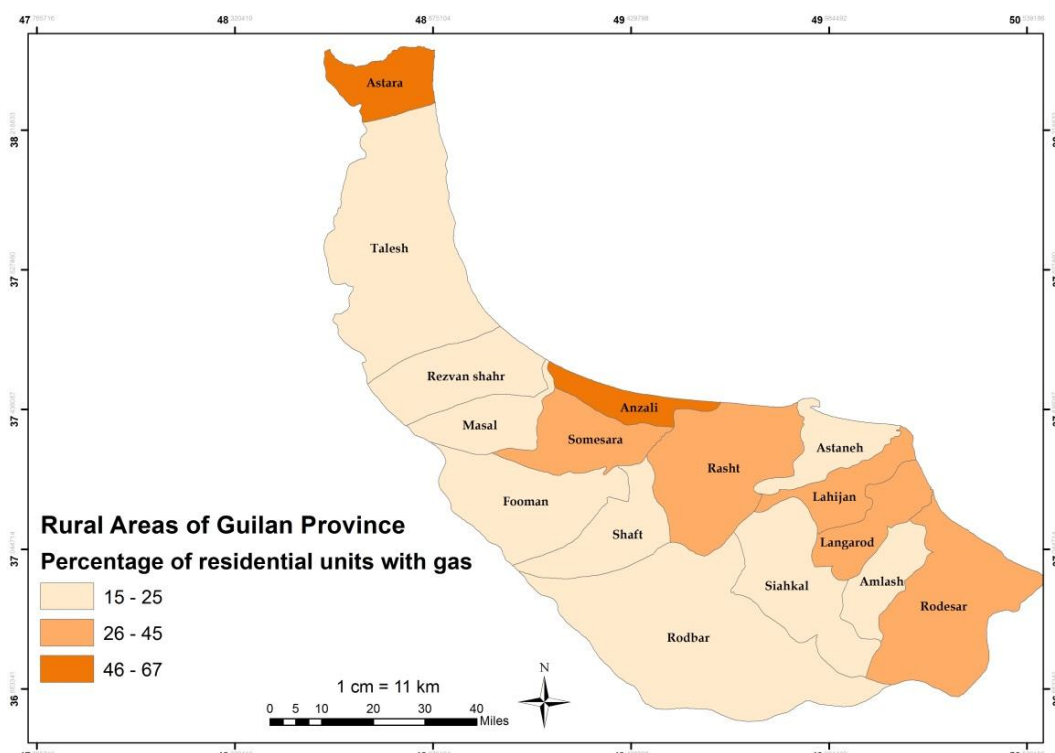
Description	Guilan Province	Urban areas of Guilan Province	Rural areas of Guilan Province
Power	99.3	99.7	98.8
Phone	69.7	79.25	72
Piped water	67.9	84.56	63.87
Gas	65	93.35	49.3
Kitchen	92.5	98.25	91.87
Bathroom	88.38	95.35	91.87
Toilet	99.8	99.9	98.9

Source: Statistical year Book of Guilan, 2011

همان‌گونه که در نقشه (۹) مشاهده می‌شود، مناطق روستایی شهرستان‌های فومن، شفت، آستانه اشرفیه و لاهیجان با مشکل آبلوله‌کشی مواجه هستند به‌گونه‌ای که تنها ۳۵-۴۵ درصد از مسکن روستایی این شهرستان‌ها از آبلوله‌کشی برخوردار می‌باشند. درمقابل مسکن روستایی شهرستان‌های رضوان‌شهر، سیاهکل، بندر انزلی، املش و رودبار نسبت به مناطق روستایی سایر شهرستان‌های استان در وضعیت مناسب‌تری قرار دارند به‌طوری‌که ۶۵ - ۹۰ درصد از مسکن شهرستان‌های مذکور از آبلوله‌کشی بهره‌مند هستند. هم‌چنین با توجه به نقشه (۱۰)، حدود نیمی از واحدهای مسکونی مناطق روستایی استان گیلان از نعمت گاز لوله‌کشی محروم و بی‌بهره هستند. در میان شهرستان‌های استان، مسکن روستایی شهرستان‌های آستارا و بندر انزلی در مقایسه با سایر شهرستان‌ها در وضعیتی به نسبت بهتر قرار دارند به‌گونه‌ای که ۶۷ - ۴۶ درصد از مسکن روستایی این دو شهرستان از گاز لوله‌کشی برخوردار هستند.



نقشه شماره ۹ - درصد واحدهای مسکونی برخوردار از آبلوله‌کشی روستایی استان گیلان Source: Authors



نقشه شماره ۱۰- درصد واحدهای مسکونی برخوردار از گاز لوله‌کشی روستایی استان گیلان

Source: Authors

- شاخص‌های اجتماعی مربوط به مالکیت و نحوه تصرف

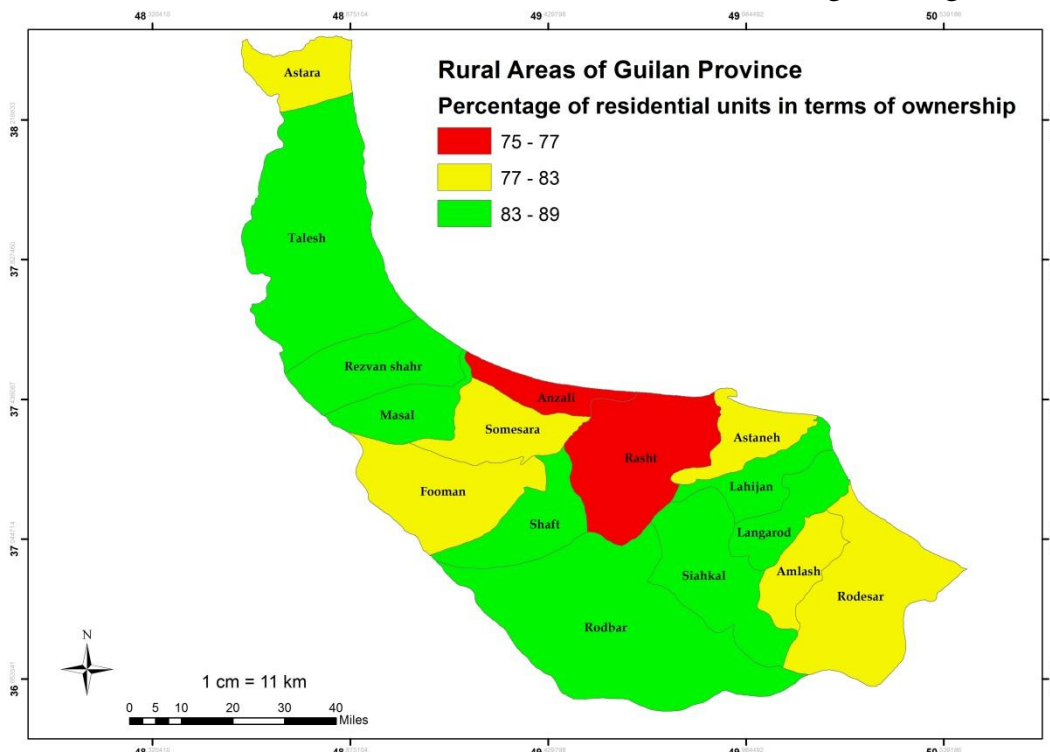
شاخص نحوه تصرف واحدهای مسکونی برحسب مالکیت و یا اجاره‌ای، از جمله شاخص‌های پایه در شناخت بخش مسکن از ابعاد اقتصادی و اجتماعی است (Saremi & Ebrahimipor, 2012: 97). همان‌گونه که در جدول (۹) مشاهده می‌شود، در سال ۱۳۹۰، ۷۴/۵ درصد از مساکن استان گیلان ملکی بوده‌اند. در مناطق شهری استان گیلان، ۶۵/۵ درصد از مساکن و در مناطق روستایی استان گیلان ۸۲/۴ درصد از مساکن مالک عرصه و اعیان خود بوده‌اند. همچنین از لحاظ اجاره‌نشینی، ۲۸ درصد از مساکن شهری استان و ۶/۸ درصد از مساکن روستایی استان اجاره‌نشین بوده‌اند. با توجه به این آمار، از لحاظ نحوه تصرف و مالکیت، واحدهای مسکونی مناطق روستایی استان در مقایسه با واحدهای مناطق شهری در وضعیت مناسب‌تری و مطلوب‌تری قرار دارند زیرا میزان اجاره‌نشینی در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری کمتر و میزان مالکیت عرصه و اعیان بیشتر بوده است.

جدول شماره ۹- نحوه تصرف واحدهای مسکونی از تسهیلات به درصد (۱۳۹۰)

Description	Guilan Province	Urban areas of Guilan Province	Rural areas of Guilan Province
Civilian	74.48	65.5	82.4
Rent and mortgage	18.2	28	6.8
in front of service	1.2	1.34	8.8
Free	4.98	4.14	0.68
other	0.65	0.55	0.73
Undeclared	0.47	0.45	0.65

Source: Statistical year Book of Guilan, 2011

با توجه به نقشه (۱۱)، اکثر واحدهای مسکونی مناطق روستایی استان گیلان، مالکیت عرصه و اعیان داشته‌اند. به‌گونه‌ای که بیشتر مسکن روستاهای شهرستان‌های استان حدود ۹۰ - ۸۱ درصد مالک عرصه و اعیان و بقیه‌ی مسکن اجاره‌ای، رهنی یا سازمانی بوده‌اند.



نقشه شماره ۱۱- درصد واحدهای مسکونی بر حسب مالکیت در مناطق روستایی شهرستان‌های استان گیلان

Source: Authors

نتیجه‌گیری

شاخص‌های مسکن به‌عنوان شالوده اصلی یک برنامه جامع و ابزاری ضروری برای بیان ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و کالبدی مسکن، از جایگاه ویژه‌ای در امر شناخت هرچه بیشتر وضعیت مسکن برخوردار هستند. در بین شاخص‌های مسکن، شاخص‌های اجتماعی مسکن، مناسب‌ترین ابزاراندازه‌گیری پیشرفت و تحقق هدف‌های کلی مسکن محسوب می‌شوند. در این مقاله با توجه به نقش شاخص‌های اجتماعی در برنامه‌ریزی مسکن به معرفی و بررسی شاخص‌های اجتماعی مسکن در مناطق روستایی استان گیلان و مقایسه آن با مناطق شهری استان پرداخته شده و از لحاظ کمی و کیفی مورد مطالعه و مقایسه قرار گرفته‌اند.

از نظر شاخص تراکم خانوار در واحدهای مسکونی می‌توان گفت که این شاخص در مناطق روستایی استان گیلان در سال ۱۳۹۰ برابر با ۱/۰۷ خانوار در واحد مسکونی بوده یعنی در برابر هر ۱۰۰ واحد مسکونی ۱۰۷ خانوار وجود داشته است. این شاخص در مناطق شهری استان گیلان در سال ۱۳۹۰ برابر با ۱/۰۴ نفر بوده یعنی در برابر هر ۱۰۰ واحد مسکونی ۱۰۴ خانوار وجود داشته است. آمار نشان می‌دهد که از لحاظ شاخص تراکم خانوار در واحد مسکونی، مناطق شهری استان گیلان در وضعیت مطلوب‌تری نسبت به مناطق روستایی قرار دارد.

هم‌چنین نتایج گواه آن است که از لحاظ شاخص تراکم نفر در واحد مسکونی مناطق شهری استان گیلان نسبت به مناطق روستایی شرایط بهتری دارند. به‌گونه‌ای که در سال ۱۳۹۰ در مناطق روستایی استان گیلان ۳/۴۴ نفر در هر واحد مسکونی و ۳/۲۶ نفر در هر واحد مسکونی در مناطق شهری ساکن بوده‌اند. شاخص تراکم واحدهای مسکونی برحسب خانوار حاکی از آن است که در بیشتر مسکن شهری و روستایی استان گیلان یک خانوار ساکن بوده و زندگی تک‌هسته‌ای و یک خانواری رایج است. ۹۲/۸ درصد از مسکن روستایی و ۹۷/۴۵ درصد از مسکن شهری استان گیلان تک خانواری هستند.

در ارتباط با برخورداری از تسهیلات و امکانات زیرساختی، واحدهای مسکونی مناطق شهری و روستایی استان گیلان روند رو به رشدی را شاهد بوده‌اند و اکثریت واحدهای مسکونی از تسهیلات لازم بهره‌مند می‌باشند و مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی در وضعیت خیلی بهتر و مطلوب‌تری هستند. در مناطق روستایی متأسفانه بعضی از تسهیلات مثل گاز لوله‌کشی درصد کمی از واحدهای مسکونی این مناطق را شامل می‌شوند که مطالعه و برنامه‌ریزی بیشتر در این زمینه احساس می‌شود. در سال ۱۳۹۰ تنها ۶۳/۸ درصد از مسکن روستایی از آب‌لوله‌کشی و ۴۹/۳ درصد از مسکن از گاز لوله‌کشی برخوردار هستند. در سال ۱۳۹۰، ۳۷ درصد از مسکن روستایی استان گیلان مساحتی برابر با ۷۵-۵۱ مترمربع و ۲۲ درصد مساحت ۱۰۰-۸۱ مترمربع داشته‌اند که در مقایسه با مناطق شهری استان از لحاظ میانگین سطح زیر بنا در سطح پایینی قرار داشته که عواملی نظیر پایین بودن درآمد و شرایط نامناسب اقتصادی روستاییان باعث این امر شده‌اند.

استفاده از مصالح ساختمانی بادوام در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال‌های گذشته رشد چشمگیری داشته است بطوری که درصد واحدهای مسکونی با مصالح بادوام ۲۰/۶ در مناطق روستایی استان گیلان و ۵۷/۲ درصد در مناطق شهری استان بوده‌اند. اما کماکان بیش از نیمی از واحدهای مسکونی در مناطق روستایی و ۴۰ درصد از واحدهای مسکونی در مناطق شهری از مصالح نیمه بادوام هستند که نیازمند توجه و برنامه‌ریزی بیشتری از این حیث به‌خصوص در مناطق روستایی می‌باشند. از نظر شاخص مالکیت و نحوه تصرف واحدهای مسکونی، می‌توان گفت که حدود ۸۲/۵ درصد از ساکنان مناطق روستایی استان گیلان و ۶۵/۵ درصد از ساکنان مناطق شهری استان در سال ۱۳۹۰ مالک واحدهای مسکونی خود بوده‌اند. هم‌چنین ۶/۸ درصد از ساکنان روستایی و ۲۸ درصد از ساکنان شهری استان در سال ۱۳۹۰ اجاره‌نشین بوده‌اند که از لحاظ شاخص نحوه تصرف خانوارهای مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری در وضعیت بهتری قرار دارند.

بنابراین طبق بررسی‌های صورت گرفته در سال ۱۳۹۰، از لحاظ شاخص‌های کمی و کیفی اجتماعی مسکن روستایی و شهری استان گیلان، روند رو به رشدی را نسبت گذشته شاهد بوده‌اند و ارقام گواه آن هستند که از لحاظ وضعیت اجتماعی مسکن شهری نسبت به مناطق روستایی در وضعیت مناسب‌تر و بهتری قرار دارند. با توجه به اینکه کماکان کاستی‌ها و معضلات فراوانی را در این مناطق به‌خصوص مناطق روستایی استان شاهد هستیم برای کمک به بهینه شدن وضعیت مسکن از لحاظ شاخص‌های کمی و کیفی، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌نماییم:

- با توجه به این‌که بیشتر واحدهای مسکونی با استفاده از مصالح نیمه بادوام هستند، کاهش هزینه‌های مصالح و ملزومات و هم‌چنین دادن وام‌های کم‌بهره به‌خصوص به اقشار کم‌درآمد، می‌تواند برای بهبود بخشیدن کیفیت مسکن در استان گیلان به‌خصوص نواحی روستایی، بسیار مؤثر باشد.
- سرمایه‌گذاری مشترک بخش خصوصی و دولتی در امر بهسازی و نوسازی مسکن روستایی، از آنجایی‌که بیشترین واحدهای مسکونی در مناطق روستایی استان با مصالح نیمه بادوام بوده و نیازمند بهسازی و نوسازی می‌باشند.
- دادن اعتبارات بلاعوض یا کم‌بهره و واگذار کردن زمین‌های ارزان‌قیمت به خانوارهای کم‌درآمد به‌منظور جلب روستاییان فقیر و با سطح درآمد پایین برای ساخت مسکن مطابق با استانداردهای لازم و باکیفیت بالا.
- برنامه‌ریزی برای مسکن روستایی در ایران به‌مانند آنچه تحت نام برنامه‌ریزی مسکن شهری صورت می‌گیرد، چندان عمومیت نداشته و مورد بررسی و مطالعه قرار نگرفته است از این‌رو تهیه طرح جامع مسکن روستایی و اجرایی نمودن آن ضروری به نظر می‌رسد.
- با توجه به نبود سیستم فاضلاب روستایی در بخش خدمات و تسهیلات واحدهای مسکونی در استان، توجه به این مهم بسیار ضروری به نظر می‌رسد زیرا روستاها از لحاظ آلودگی در معرض خطر بیشتری می‌باشند.
- افزایش متوسط زیربنای واحدهای مسکونی و بالا بردن نسبت نفر به اتاق که باعث برخورداری هرچه بیشتر و بهتر خانوارها و افراد از فضای سکونتی مورد نیاز برای زندگی خواهد بود.
- با توجه به اینکه در سال ۱۳۹۰ نیمی از واحدهای مسکونی در مناطق روستایی استان گیلان از نعمت گاز لوله‌کشی و آب‌لوله‌کشی بی‌بهره و محروم بوده‌اند از این‌رو، رفع این مشکل باید در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های به‌کاررفته در الویت قرار بگیرد.
- شاخص‌های کمی و کیفی اجتماعی مسکن با توجه به اهمیت بالایی که دارند، باید بیش از پیش مورد توجه قرار بگیرند زیرا با بهره‌گیری از این شاخص‌ها، هرگونه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در بخش مسکن آسان‌تر و دقیق‌تر خواهد شد.

Referenceces

- Ahmadi, Masume, (2010). Assess the quality of urban life with an emphasis on social indicators of housing (case study: urban development), PNU university saari, Dissertation in geography and urban planning.
- Al-Naim, M., & Mahmud, S. (2007). Transformation of traditional dwellings and income generation by low-income expatriates: The case of Hofuf, Saudi Arabia. *Cities*, 24(6), 422-43.
- Badri, Ali & Musavi, Siros, (2010). Analysis of the trend of some characteristics of rural housing in Iran, proceedings of the fourth international congress of geographers, Zahedan.
- Bahrami, Rahmatolah, (2010). Analysis of rural housing & approaches to investigate the Kermanshah province, *journal of geography & regional planning*, one year, number 2, pp: 63-76.
- Beshagh, Mohamadreza & Salarvand, Esmaeil & Tabrizi, Jalal, (2014). Analysis of the sustainability indicators of housing in rural areas (case study: Azna city, Silakhor zone), *journal of geography & environmental planning*, number 2, 25 felly, pp: 191-285.
- Bramley, G, Watkins, D, (2009). Affordability and Supply: the rural dimension, *planning practice and Research*, pp: 185-210.
- Buckey, R, Jerry, kalariekal, (2005). Housing policy in Developing countries, *Conjectures and Refutations*, World Bank, pp: 233-257.
- Dalalpormohamadi, Mohamadreza, (2014). Housing planning, Samt publications, Tehran, the twelfth print.

- Gallent, N., Steve, R., (2011). Local Perspectives on rural housing affordability and implication for the localins agend in England, *Journal of Rural Studies*, Volum27, pp:297-307.
- Ghafari, Ramin, (2011). Planning & design rural settlements, Jahad university pubications Eisfahan, one print.
- Ghalibaf, Mohamadreza, (2011). Strategic approach to housing & urban development in the Iran, Hamed Negarestan Publishing House, Tehran.
- Hamzah, N., Ramly, A., Salleh, H.M., Tawilani, N., Khoiry, M.A., Che, A.I., (2012). The Importance of Design process in Housing & uality, the 2nd International Building control conference.
- Jamshidi, Alireza & Jomini, Davod & Saeid, Eskandar & Najafi, Maryam, (2013). Analysis of the indicators rural housing in Ilam & ranking them using the factore analysis & ckuster, *journal of rural environmental housing*, number 143, pp: 69-88.
- lawrence, R., (2012). Health and housing, *International Encyclopedia of housing and home*, pp:323-331.
- Lio, W.T., (2014). The influence of housing character isties on rural migarants living condition in Beijng Fengati District, *Housing & Building national research center HBRC jornal* accepted.
- Maleki, Saeid, (2011). Check the indicators of social housing in rural areas of Ahvaz town, *Juornal of geographic space*, eleventh year, number 36, pp:103-113.
- Ming, G., (2013). Relationship between life consumption & rural housing Value in Chaina, *international conference on Agricultural & Natural Resources Engineering, IERI procedia* 5, pp: 327-331.
- Nori, Moslem, (2014). Evaluation indicators of social housing in Esferaen, *proceedings of the national conference on sustainable architecture and urban landscape*, Tabriz..
- Saremi, Hamidreza & Ebrahimpor, Maryam, (2012). Check the quantitative & qualitative review of rural housing(cae study: Karemoji rural), *proceeding of the national electronics sustainable development in geography science & architecture & urban planning*.
- Satarzadeh, Davod, (2011). Check indicators of population's housing(in 2006), *Population Quarterly*, No. 68 & 67, Tehran, Iran
- Shokrgozar, Asghar, (2006). Urban housing developmen, Haghshenas publications, Rasht.
- Short, J.R.(2012). Planning and urban design standard, *Newgersy: Routhedg Behaviour studies*, Bangkok, Thailand.
- Statistical yearbook of guilan, (2011). Department of planning & employment, governor of guilan, office of statistcs & information & GIS, Rasht.
- Lin, Y., De Meulder, B., Cai, X., Hu, H., & Lai, Y. (2014). Linking social housing provision for rural migrants with the redevelopment of 'villages in the city': A case study of Beijing. *Cities*, 40, 111-119.
- Yonghou.z, (2014). Analaysis of spatial autocorre lation in hight-priced mortgages: Evidence from Philadelphia & Chicago, *cities*, Volume 40, part A, pp: 1-10.
- Ziari, Keramatolah & Zarafshan, Atolah, (2006). Check the quantity & quality of housing in the city of Maragheh & predict needed housing by the year 1402, *journal of geography & development*, pp: 85-105.